شعفی‌زاده، حانیه؛ نجارپوریان، سمانه؛ سپهری‌شاملو، زهره (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان .
پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۹ (۲)، ۱۴۰-۱۲۰. DOI: 10.22067/ijap.v9i2.66487

اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان

حانیه شعفی‌زاده[۱]، سمانه نجارپوریان[۲]، زهره سپهری‌شاملو[۳]

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

هدف: بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج با روش سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان انجام شده است.

روش: این پژوهش از نوع تحقیقات نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعهٔ آماری پژوهش را دختران مجرد دانشگاه هرمزگان تشکیل می‌دادند؛ از بین کسانی که نمرات کمتری در مؤلفه‌های تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی گرفتند، ۳۲ نفر به‌شیوهٔ در دسترس انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه آزمایش و کنترل گمارش شدند (هر گروه شامل ۱۶ آزمودنی). پرسشنامهٔ انتظار از ازدواج نلسون و جونز، تمایزیافتگی اسکورن و نگرش به ازدواج روزن و براتن، و نیز هشت جلسه آموزش مبتنی بر سیمبیس، ابزارهای گردآوری اطلاعات در این مطالعه بودند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که ۱) آموزش پیش از ازدواج با استفاده از مدل سیمبیس هم بر تمایزیافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی و هم بر واکنش‌پذیری، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران و انتظار بدبینانه تأثیر معناداری داشت، اما بر جایگاه من، انتظار واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه تأثیر معناداری نداشت؛ ۲) اثربخشی قبل از ازدواج مبتنی بر مدل سیمبیس بر نگرش زناشویی، انتظارات زناشویی، واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران و انتظار بدبینانه را تا مرحلهٔ پیگیری سه ماه حفظ کرد، در حالی که چنین تأثیرهایی در تمایزیافتگی تا مرحلهٔ پیگیری تداوم مشاهده نشد.بنابراین با توجه به محتوای این برنامه، آموزش پیش از ازدواج در افزایش تمایزیافتگی، بهبود نگرش جوانان و کاهش انتظارات بدبینانه قبل از ازدواج مؤثر است.

واژه های کلیدی: اموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس، تمایزیافتگی، نگرشهای زناشویی، انتظارات زناشویی

---

۱. کارشناس‌ارشد مشاورهٔ خانواده دانشگاه هرمزگان، hanieshaafi67@gmail.com

۲. استادیار گروه مشاوره و روانشناسی، دانشگاه هرمزگان، (نویسندهٔ مسئول)، najarpourian@hormozgan.ac.ir

۳. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

خانواده به‌عنوان سنگ زیربنای جامعه، تنها نهاد اجتماعی است که جایگاه آن رسماً در همه جوامع پذیرفته شده و تشکیل‌دهندهٔ مختصات جامعه است (Karimi, 2007). ازدواج پیوند میان زن و مرد است که به‌واسطهٔ آن تعهدی دائمی و منحصربه‌فرد بین آن‌ها ایجاد می‌شود (Mal, 2013). ساختار و محیط خانوادهٔ اصلی در نگرش به ازدواج و نیز زندگی خانوادگی فرزندان نقش دارد (Nilfrooshan et al., 2011). نگرش به ازدواج تحت‌تأثیر عوامل خانوادگی و ویژگی‌های جمعیتی قرار دارد. علاوه بر این، ارتباطات سالم میان اعضای خانواده با درجهٔ بهتری از شادمانی میان زوج‌ها و روابط والد–فرزندی رابطه دارد و بنابراین افزایش احتمال نگرش‌های مثبت دربارهٔ ازدواج به نسل بعدی هم منتقل می‌شود (Kim & Jung, 2015). بوئن نظریهٔ سیستم‌های خانوادهٔ چندنسلی را مطرح کرد (Kerr & Bowen, 1988) که این نظریه از چهل سال پیش تا کنون در میان درمانگران خانواده به‌عنوان نظریه‌ای آگاهی‌بخش محبوب بوده است. بوئن هشت سازهٔ نظری را برای توضیح پویایی‌های خانوادگی و فردی مطرح کرده است: تفکیک خویشتن، انتقال چندنسلی، مثلث‌سازی، گسلش عاطفی و امتزاج، فرافکنی خانوادگی، جایگاه همشیرها، فرایندهای عاطفی–اجتماعی و نظام عاطفی خانوادهٔ هسته‌ای (O'Hara & Meteyard, 2011). مفهوم تمایز یکی از مفاهیم اساسی تئوری بوئن است که به توانایی تجربهٔ صمیمیت با دیگران و درعین‌حال استقلال از دیگران اشاره دارد (klever, 2009). سطح بالایی از تمایزیافتگی با رضایت زناشویی، رابطه‌ای پایدار با جنس مخالف و ارتباط والد–فرزندی مؤثر ارتباط دارد. همچنین آن‌هایی که سطوح بالایی از رضایت از زندگی را دارند، سطوح هیجانی پایدارتر و نگرش مثبت‌تر به ازدواج را نشان می‌دهند (Kim&Jung, 2015). جوامع ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات نسبتاً پایداری دارند، ولی این امور ثابت و تغییرناپذیر نیستند. نسل‌های جدیدتر ارزش‌های متفاوتی دارند؛ درحالی‌که هنوز ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی در میان نسل‌های پیشین جوامع رواج دارد (Inglehart, 2003). نگرش‌ها و ارزش‌های افراد جامعه با توجه به مقتضیات و شرایط در حال تغییر محیط (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) و همچنین تجربه‌هایشان در طول فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند، اما با این وجود، در سال‌های اخیر نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی یافته و به‌دنبال این نگرش منفی، تباهی اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (Johnson et al., 2000). در دههٔ گذشته، نرخ ازدواج روند کاهشی و نرخ طلاق روند افزایشی به خود گرفته است. نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و درخور توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد موجب تغییر در نگرش به ازدواج و تأخیر آن موجب شده است (Mahmoudian, 2004).

پژوهش دربارهٔ نگرش‌ها از موضوعات مهم پژوهشی به‌ویژه در حوزهٔ روانشناسی اجتماعی است. اهمیت نگرش تا به آن‌جاست که برخی محققان موضوع اصلی روانشناسی اجتماعی را بررسی نگرش‌ها می‌دانند (Karimi, 2007). به این سازه در حوزهٔ مطالعات زناشویی نیز توجه شده است؛ از جمله گفته‌اند که نگرش به ازدواج عبارت است از عقیدهٔ ذهنی و باورهای فرد دربارهٔ ازدواج (Brateen & Rosen, 1988) که قبل از ازدواج یا در مراحل اولیهٔ زندگی شکل گرفته و سازه‌ای نسبتاً ثابت است (Trent & South, 1992). بنابراین نگرش‌ها و انتظارات دربارهٔ ازدواج و زندگی زناشویی نقش کلیدی در کیفیت و رضایت زناشویی ایفا می‌کند (Omidvar, 2009). انتظارات زناشویی نیز عبارت است از استانداردها، فرضیه‌های ذهنی و چارچوب‌های ازپیش‌تعیین‌شده، بایدها و نبایدهایی که زوج‌ها دربارهٔ همسر وزندگی زناشویی دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد یا نباشد(Khamseh, 2005). افراد انتظاراتشان را ازآن‌چه می‌بینند، می‌شنوند و در طول زمان تجربه می‌کنند و رشد می‌دهند (Vaterlaus et al., 2016). عوامل مؤثر بر انتظارات زناشویی عبارت‌اند از خانوادهٔ مبدأ (Reid, 2003)، روند اجتماعی‌شدن، ساختار فرصت‌ها (Harris& Lee, 2007) و و فرهنگ (Reid, 2003). همسرانی که انتظارات بسیار زیادی از رابطهٔ خود دارند، در خطر ناامیدشدن و دلسردی قرار می‌گیرند. در روابط صمیمانه، زوجینی که در مهارت‌ها (به‌ویژه مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله) تبحر بیشتری دارند، بهتر قادرند تجاربی را مدیریت کنند که انتظارات مثبت (واقع‌بینانه) را تأیید کند؛ اما برای همسرانی که در حیطه‌های ذکرشده تبحر ندارند، انتظارات مثبت (واقع‌بینانه) مخرب خواهد بود، زیرا فقدان مهارت‌های رفتاری ممکن است موجب شود زوجین با تجاربی روبه‌رو شوند که منجر به تأییدنشدن انتظارات شود. پیامد تأییدنشدن انتظارات ناامیدی خواهد بود (Guttman, 1994; Guttman et al, 1998; Haston et al., 2001; Carny & Bradbury, 1997; Mc Nutly&Karney, 2004).

متخصّصان علم خانواده دربارهٔ کارآمد بودن آموزش‌های پیش از ازدواج، اطمینان دارند. زوج‌هایی که در این برنامه‌ها شرکت داشته‌اند، نگرش مثبتی نسبت به آموزش پیش از ازدواج و اثرات آن دارند و آن را رویداد ارزشمندی می‌دانند. (Khamseh, 2005; Shahhosseini, 2014; Parhizgar, 2017; Haris, 2018). یکی از این آموزش‌های پیش از ازدواج، مدل سیمبیس (SYMBIS)[1] نام دارد. این مدل آمادگی برای ازدواج است که تحت عنوان «ازدواجتان را قبل از شروع نجات دهید»[2] می‌باشد. بنیان نظری این برنامه با روش سیستم‌های خانوادگی مخصوصا با نظریهٔ سیستم‌های خانوادگی شکل‌گرفته است. مدل سیمبیس، آمادگی برای ازدواج را، با بررسی هفت حوزهٔ اصلی رابطه، و پرسش هفت سؤال که قبل یا بعد از ازدواجتان پرسیده

1. Symbis
2. Saving Your Marriage before it Starts

می‌شود، مورد بررسی قرار داده است. این سؤال‌ها عبارت‌اند از: ۱) آیا می‌توانید سبک عشقتان را شناسایی کنید؟ ۲) آیا عادت شادی را ایجاد کرده‌اید؟ ۳) آیا می‌توانید منظورتان و ۴) آنچه می‌فهمید و می‌شنوید را بیان کنید؟ ۵) آیا فاصلهٔ جنسیتی را پرکرده‌اید؟ ۶) آیا می‌دانید چگونه با یک مبارز مخرب مبارزه کنید؟ ۷) آیا شما و شریکتان یک روح در دو بدن هستید؟ هدف سیمبیس کمک به زوج‌ها برای به‌دست آوردن رابطه‌ای متقابل از طریق تقویت تمایزیافتگی بین آن‌ها می‌باشد (Berger & Hannah, 1999).

در زمینهٔ تحقیقات انجام‌شده در زمینهٔ تمایزیافتگی در پژوهشی تحت عنوان «آئیین ذن و هنر دوست‌یابی: ذهن‌آگاهی، تمایزیافتگی و رضایت از روابط دوستانه» بر روی ۱۰۴ آزمودنی دریافتند که این دو مؤلفه ممکن است به‌طور مشترک به رضایت از رابطه کمک کنند (Khaddouma, Gordon & Bolden, 2015).

پژوهشی روی ۳۹۹ فرد متاهل نشان دادکه انتظارات برآورده‌نشده همبستگی منفی با رضایتمندی زناشویی دارد، درحالی‌که برآورده‌شدن انتظارات به‌طور مثبت با رضایتمندی زناشویی همبستگی دارد. به‌طور کلّی، ترکیبی از انتظارات بالا و خودکارآمدی بالا بهترین پیش‌بینی‌کنندهٔ احساس رضایت در زندگی زناشویی می‌باشد، به‌طوری‌که خودکارآمدی رابطه بزرگ‌ترین واریانس در پیش‌بینی انتظارات زناشویی را نشان می‌دهد (Johnson, 2015).

در تحقیقی با عنوان «تمایزیافتگی، عملکرد خانواده، رضایت از زندگی و نگرش نسبت به ازدواج در میان دانشجویان دانشگاه کرهٔ جنوبی» ۷۵۹ نفر شرکت کردند و نتایج حاصل بیانگر این بود که نمرات بالا در نگرش نسبت به ازدواج با نمرات بالا در تمایزیافتگی، عملکرد خانواده و رضایت از زندگی مطابقت دارد (Kim & Jung, 2015).

در تحقیقی با عنوان «تاثیر آموزش‌های پیش از ازدواج بر مهارت‌های ارتباطی و حل مساله در فرزندان دختر شهیدان و جانبازان»، ۵۰ نفر از رشت و ۳۰ نفر از لاهیجان به‌طور تصادفی انتخاب شدند و نتایجِ حاصل، بیانگر این بود که در مرحلهٔ پس‌آزمون میانگین نمرات مهارت‌های ارتباطی در گروه آزمایش در تمام خرده‌مقیاس‌های شامل مدیریت احساس و جرأتمندی افزایش یافته است، اما در مقیاس حل مساله نمرات گروه آزمایش در مقیاس‌های نگرانی، اجتناب و تواناییِ کنترل کاهش یافت؛ در حالی‌که نمراتشان در خرده‌مقیاس‌های خلاقیت و اعتماد افزایش یافت (Khosrojavid, 2015).

به نظر می‌رسد دورهٔ آموزش پیش از ازدواج که نوعی آماده‌سازی افراد می‌باشد موجب نگاهی دقیق‌تر و صادقانه‌تر به روابطشان با یکدیگر می‌شود و همچنین این فرصت را به افراد می‌دهد که دربارهٔ اهدافشان، نگرششان، مسائل اقتصادی و آنچه که هستند و می‌توانند باشند، مسائل جنسی، اهداف و دلایل ازدواجشان بیشتر تفحّص کنند

و به نوعی، به خودآگاهی دست می‌یابند (Boyce Lopang et al., 2018; Salehi, 2009) و برنامهٔ سیمبیس به زوج‌ها و کسانی که قصد ازدواج دارند برای به‌دست آوردن رابطهٔ متقابل از طریق تقویت تمایزیافتگی بین آن‌ها، ارتباطی واقعی و صمیمیتی سالم، به ارتقاء کیفیت زناشویی کمک می‌کند. اگرچه تاکنون مطالعات گوناگونی جهت بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج صورت گرفته، اما تقریبا هیچ پژوهش داخلی به مطالعهٔ تاثیر مدل سیمبیس به‌عنوان یک رویکرد مدوّن و جامع نسبت به مهمترین مفاهیم آموزشی لازم جهت کسب آمادگی برای ازدواج، نپرداخته است. از این‌رو، این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی و (ابعاد آن‌ها) در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان انجام شد.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش به روش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون–پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. در این مطالعه به بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر متغیّر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی پرداخته شد که جهت انتخاب نمونهٔ تحقیق از بین کسانی که نمرات پایینی در مؤلفه‌های تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی کسب کرده بودند، به شیوهٔ تصادفی ۳۲ نفر انتخاب و با گمارش تصادفی در دو گروه (۱۶ نفر به‌عنوان گروه گواه و ۱۶نفر به‌عنوان گروه آزمایش) جایگزین شدند. از هر دو گروه، پیش‌آزمون، پس‌آزمون و آزمون پیگیری، با فاصلهٔ سه ماه به‌عمل آمد و آزمودنی‌ها به سه پرسشنامهٔ تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی پاسخ دادند.

ابزار تحقیق

در این پژوهش به‌منظور اندازه‌گیری متغیّرهای مورد نظر از ابزارهای زیر استفاده شده است:

۱. پرسشنامهٔ تمایزیافتگی[1] : این پرسشنامه که توسط اسکوران تهیّه شده است (Skowron, 2000)، ابزاری چهل‌وشش‌سؤالی است که به‌منظور سنجش میزان تمایزیافتگی افراد به‌کار می‌رود. پرسشنامهٔ مذکور از ۴ خرده‌مقیاس واکنش عاطفی، موقعیت من، گسلش عاطفی و آمیختگی عاطفی تشکیل شده است که با مقیاس لیکرت و در یک طیفِ شش‌گزینه‌ای از ۱ (اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملا در مورد من صحیح است) درجه‌بندی شده است و به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. سؤال‌های ۴–۷–۱۱–۱۵–۱۹–۲۳–۲۷–۳۱–۳۷–۴۱–۴۳ به‌صورت مثبت و سایر سؤال‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات پایین‌تر در این پرسشنامه نشانهٔ سطوح پایین‌تر تمایزیافتگی است (Sanaei, 2008). همچنین روایی این

1. Scholarly Articles for Self Differentiation Questionnaire

پرسشنامه با استفاده از نظر ۱۰ نفر از صاحب‌نظران مورد تائید قرار گرفته است (Aryamanesh, 2011). همچنین در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس (کل) ۰/۷۸ و برای هرکدام از خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب گسلش عاطفی ۰/۷۳، واکنش عاطفی ۰/۷۹، موقعیّت من ۰/۸۲، و آمیختگی عاطفی ۰/۸۵ به‌دست آمد، که بیانگر پایایی مطلوب این مقیاس می‌باشد.

۲. پرسشنامهٔ نگرش به ازدواج[1]**:** مقیاس نگرش به ازدواج توسط روزن و براتن ساخته شده است (Rosen and Braatens, 1998). این مقیاس شامل ۲۳ گزاره با مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت، (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) است، که باورها و نگرش‌های مربوط به ازدواج را می‌سنجند. گزاره‌های ۱-۳-۵-۸-۱۲-۱۶-۱۹-۲۰-۲۳ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. از طریق جمع نمرات گزاره‌ها، نمرهٔ کلّی که حداقل ۲۳ و حداکثر ۹۲ است، به‌دست می‌آید. نمرات بالاتر نشان‌دهندهٔ نگرش مثبت‌تر نسبت به ازدواج است. از آزمودنی‌ها خواسته شده که میزان موافقت یا مخالفت خود با هر گزاره را مشخص نمایند. نتایج پژوهش در خصوص پایایی نیز نشان داد که مقیاس نگرش به ازدواج از ضریب پایایی مناسب و کافی برخوردار است (Nilfrooshan et al., 2011). در پژوهش حاضر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۶) و پیگیری (۰/۷۴) محاسبه گشت.

۳. پرسشنامهٔ انتظار از ازدواج[2] **:** مقیاس انتظار از ازدواج توسط ناسون و جونز تهیه شده است (Nelson and Jones, 1996). این پرسشنامه حاوی ۴۰ گزاره است. پاسخ‌دهندگان از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، (ازکاملا مخالفم تا کاملا موافقم) استفاده می‌کنند؛ بنابراین حداقل نمره ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ است. گزاره‌های ۴-۱۸-۲۳-۲۸-۳۰-۳۵-۳۸ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (Nilfrooshan et al, 2011). به‌طورکلی نمرات پایین‌تر نشان‌دهندهٔ انتظارات بدبینانه از ازدواج، و نمرات بالاتر نشان‌دهندهٔ انتظار ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج است. نمراتی که در حد وسط هستند، انتظارات واقع‌گرایانه را نشان می‌دهند. در پژوهش حاضر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۴) و پیگیری (۰/۷۳) محاسبه گشت.

روش شناسی پژوهش

به‌منظور اجرای این پژوهش پس از هماهنگی با مسئولان دانشگاه هرمزگان در مورد زمان و مکان آموزش، از بین شرکت‌کنندگانی که در پژوهش مقدماتی نمرات پایینی در مؤلفه‌های تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی کسب کرده بودند، تعداد ۳۲ دختر مجرّد جهت حضور در پژوهش به‌صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارش شدند (هر گروه: ۱۶ نفر) و در

2. Marital Attitudes Scale
1. Marriage Expectation Questionnaire

دورهٔ آموزشی هشت جلسه‌ای که توسط پژوهشگر اجرا می‌شد، شرکت کردند. مدت زمان جلسات متناسب با بحث جلسات بین ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه متغیّر بود. در پایان هر جلسه به فراخور مباحثِ مطرح‌شده در همان جلسه تکالیفی به شرکت‌کنندگان داده می‌شد تا مطالب آموزشی را به موقعیت‌های عملی وارد کنند و در شروع جلسهٔ بعد، نحوهٔ انجام آن تکالیف و همچنین بررسی دلایل عدم انجام آن‌ها توسط شرکت‌کنندگان، مورد بررسی قرار می‌گرفت. اطلاعات شرکت‌کنندگان از طریق پرسشنامه‌های مذکور جمع‌آوری شد. لازم به ذکر است که متغیّر مستقل برای گروه کنترل اجرا نشد، اما جهت پای‌بندی به اخلاق پژوهشی همهٔ اعضای گروه کنترل که مایل به شرکت در دورهٔ آموزشی بودند، در لیست انتظار آموزش پیش از ازدواج با مدل سیمبیس در پایان اجرای پژوهش قرار گرفتند. جلسات دو بار در هفته اجرا شد، که خلاصه‌ای از محتوای جلسات در ادامه ارائه شده است.

خلاصهٔ جلسات

جلسات آموزشی، ۸ جلسه بود، که این جلسات دو بار در هر هفته و مدّت هر جلسه، از ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه متغیّر بود.

جدول ۱: ساختار جلسات آموزش پیش از ازدواج

جلسهٔ اوّل	عنوان: تعریف عشق، و اهمیت و ضرورت آموزش پیش از ازدواج دستور جلسه: ایجاد ارتباط، معرفی اعضا به یکدیگر، معرفی برنامه و هدف آموزش پیش از ازدواج با مدل «SYMBIS» و بحث در مورد اهمیت آموزش پیش از ازدواج. تکلیف: هریک از اعضا، نظر خود را دربارهٔ لزوم شرکت در جلسات آموزش پیش از ازدواج یادداشت کنند.
جلسهٔ دوم	عنوان: ایجاد نگرش در زندگی دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسهٔ قبل، مرور تکالیف خانگی و بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف نگرش، اجزای نگرش، چگونگی شکل‌گیری، ویژگی‌ها و عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری نگرش‌ها، بازخورد و بحث دربارهٔ جلسه. تکلیف: هرکدام از افراد درمورد موضوع ازدواج اینترنتی بیاندیشند و سعی کنند با استفاده از چرخهٔ آگاهی، به خودگویی دربارهٔ نگرششان نسبت به این موضوع، بپردازند.
جلسهٔ سوم	عنوان: توضیح تفاوت‌های جنسی دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسهٔ قبل، مرور تکالیف و بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف تفاوت‌های جنسیتی (جسمانی، شناختی، عاطفی)، تعریف واکنش مختلف دو جنس در شرایط خلقی متفاوت، شیوه‌های انگیزه‌دهی به همسران. تکلیف: هر فرد با خود بیاندیشد که چه نمونه‌هایی از تفاوت‌های جنسیتی را در بین اعضای خانوادهٔ خود می‌تواند بیان کند.
جلسهٔ چهارم	عنوان: تمایزیافتگی دستور جلسه: بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف تمایزیافتگی، تفاوت افراد تمایزیافته از تمایزنایافته،

	تعریف مفهوم امتزاج، تعریف مفهوم فرافکنی خانواده، گسلش عاطفی، فرایند انتقال چندنسلی، تعریف نظام خانواده هسته‌ای، جایگاه همشیرها، مفهوم مثلث‌ها. تکلیف: از افراد خواسته شد خانواده‌ای از آشنایان یا خانوادهٔ خود که به‌خوبی می‌شناسند را انتخاب کنند و ببینند کدام‌یک از مرزهای آنان دچار مشکل شده است و اشکال در آن سبب چه مشکلاتی شده است. همچنین یادداشت چند ویژگی اخلاقی خود و مقایسهٔ آن با ویژگی‌های مراقبان اولیهٔ آن‌ها به‌منظور درک بهتر مفهوم انتقال چندنسلی.
جلسهٔ پنجم	عنوان: برقراری ارتباط (آموزش توجه به همسر با استفاده از مهارت‌های گوش دادنِ مؤثّر) دستور جلسه: بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف گفتگو، اصول گفتگو، تعریفِ سبک‌های گفتگو، تعریف مولفه‌های گفت‌وگو و عناصر کلامی و غیرکلامی، آموزش توجّه به همسر با استفاده از مهارت‌های گوش دادن مؤثّر. تکلیف: اعضا درخصوص تمرین مهارت‌های گوش کردن و راه‌های صحیح بازخورد در ارتباط، به ایفای نقش پرداختند.
جلسهٔ ششم	عنوان: شکل‌گیری انتظارات دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسهٔ قبل و بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف انتظارات، شکل‌گیری انتظارات، تعریف انتظارات واقع‌بینانه و غیرواقع‌بینانه، شرایط تأیید انتظارات، خطاهای شناختی، تعریف صمیمیت، ابعاد صمیمیت. تکلیف: هر فرد با خود بیاندیشد که چه انتظاراتی از همسر آیندهٔ خود دارد و به بررسی این نکته بپردازد که آیا این انتظارات منطقی است یا غیرمنطقی. همچنین از اعضا خواسته شد که بیاندیشند کدام‌یک از ابعاد صمیمیت در آن‌ها قوی‌تر است؟ و نظر اعضا دربارهٔ ابعاد صمیمیت پرسیده شد.
جلسهٔ هفتم	عنوان: آموزش حلّ مسئله دستور جلسه: بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف مسئله، بیان ویژگی‌های افرادِ فاقدِ توانایی‌ِ حلّ مسئله، هرم الگوی تعارض، عوامل به‌وجودآورندهٔ تعارض، آموزش فرایند حلّ مسئله، و نحوهٔ کاربرد آن در مواقع بروز مسئله. تکلیف: از اعضا خواسته شد تا مسئله‌ای را به‌عنوان مثال یادداشت کنند و فرایند حل مسئله را گام‌به‌گام برای رسیدن به راه حل اجرا کنند.
جلسهٔ هشتم	عنوان: نگرش جنسی دستور جلسه: دریافت بازخورد از جلسهٔ قبل و بیان خلاصه‌ای از جلسهٔ قبل، تعریف تفاوت‌های شیمیایی بین دو جنس، توضیح علت نیاز مردان به رابطهٔ جنسی، توضیح علت تفاوت در رابطهٔ جنسی زن و مرد، توضیح تفاوت در دو جنس ازنظر موفقیت در رابطهٔ جنسی. تکلیف: هریک از اعضا نظر خود را راجع به علت و وجود این تفاوت‌ها در دو جنس زن و مرد بیان کنند و دربارهٔ این موضوع بیاندیشند که وجود این تفاوت‌ها در نگرش جنسی، چه تأثیری بر روابط زوجین خواهد داشت.

یافته‌ها

پس از تجزیه و تحلیل آماری صورت‌گرفته توسط نرم‌افزار SPSS، نتایج به‌صورت یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرهٔ تمایزیافتگی و مؤلفه‌های آن در گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحلهٔ پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر		شاخص آماری	گروه آزمایش			گروه گواه		
			پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پی‌گیری	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پی‌گیری
تمایزیافتگی	نمرهٔ کل	میانگین	۱۳۸/۳۷	۱۳۹/۳۵	۱۳۸/۴۲	۱۴۹/۲۱	۱۵۰/۳۵	۱۵۰/۳۰
		انحراف معیار	۹/۶۸	۱۰/۳۲	۹/۲۸	۱۱/۸۷	۱۱/۶۹	۱۰/۵۴
	واکنش عاطفی	میانگین	۳۴/۶۲	۳۱/۸۱	۳۲/۰۴	۳۵/۸۰	۳۶/۶۳	۳۶/۳۹
		انحراف معیار	۴/۱۴	۶/۵۸	۵/۴۳	۳/۵۲	۵/۰۱	۵/۵۳
	جایگاه من	میانگین	۳۷/۰۰	۳۶/۹۳	۳۷/۰۸	۳۶/۶۸	۳۸/۳۷	۳۷/۷۵
		انحراف معیار	۷/۱۱	۴/۶۸	۵/۷۱	۶/۵۵	۶/۹۱	۶/۹۵
	گریز عاطفی	میانگین	۴۱/۰۶	۳۹/۵۰	۳۹/۸۶	۴۰/۶۲	۴۱/۲۱	۴۰/۹۹
		انحراف معیار	۷/۲۵	۵/۸۸	۵/۹۸	۶/۱۲	۶/۹۸	۶/۶۵
	هم‌آمیختگی	میانگین	۲۹/۳۲	۲۸/۲۱	۲۸/۴۱	۳۱/۵۶	۳۲/۵۴	۳۱/۸۹
		انحراف معیار	۴/۱۲	۴/۸۰	۴/۹۹	۵/۵۶	۶/۱۲	۵/۴۳
نگرش زناشویی		میانگین	۸۴/۴۳	۸۷/۴۳	۸۶/۱۲	۸۲/۶۸	۸۰/۱۸	۸۰/۶۵
		انحراف معیار	۶/۳۷	۶/۴۱	۶/۲۲	۶/۷۲	۶/۴۳	۶/۳۴
انتظارات زناشویی	نمرهٔ کل	میانگین	۱۶۶/۰۰	۱۶۹/۲۵	۱۶۸/۹۵	۱۵۳/۸۱	۱۵۱/۲۵	۱۵۱/۵۹
		انحراف معیار	۱۲/۲۹	۱۲/۶۸	۱۳/۱۲	۱۵/۲۴	۱۴/۲۵	۱۴/۹۲
	انتظار واقع‌بینانه	میانگین	۷۴/۰۰	۷۳/۵۶	۷۳/۷۸	۶۸/۳۷	۶۷/۰۰	۶۷/۵۴
		انحراف معیار	۴/۹۳	۶/۴۱	۵/۲۳	۹/۲۴	۷/۶۰	۸/۶۵
	انتظار ایده‌آل‌گرایانه	میانگین	۵۷/۵۶	۵۶/۸۷	۵۷/۰۸	۵۱/۸۷	۵۰/۸۱	۵۰/۷۸
		انحراف معیار	۵/۸۶	۶/۹۸	۵/۵۶	۶/۱۵	۴/۳۶	۴/۹۵

در قسمت یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش، قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، مفروضه‌های زیربنایی تحلیل کواریانس (همگنی واریانس‌های لوین، شیب رگرسیون، آزمون هم‌خطی و عدم هم‌خطی چندگانه) مورد بررسی قرارگرفته‌اند. سپس، جهت معنی‌داری تفاوت‌های میانگین‌های دو گروه «آزمایش و کنترل»، از روش آماری تجزیه و تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شد. پیش‌آزمون به‌عنوان

متغیر کنترل درنظر گرفته شده است و تحلیل، بر روی متغیرهای وابسته در مرحلهٔ پس‌آزمون انجام گرفت.

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل از لحاظ متغیرهای وابسته در سطح P<۰/۰۱ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، می‌توان بیان داشت که دست‌ِکم، در یکی از متغیرهای وابسته (تمایزیافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی) بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج حاصل از تحلیل کواریانس چندمتغیری بر روی میانگین‌های نمره‌های پس‌آزمون تمایزیافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مقدار	F	df خطا	df فرضیه	سطح معنی‌داری	اندازهٔ اثر	توان آماری
آزمون اثر پیلای	۰/۴۰	۵/۶۶	۲۵	۳	۰/۰۰۴	۰/۴۰	۰/۹۰
آزمون لامبدای ویکلز	۰/۵۹	۵/۶۶	۲۵	۳	۰/۰۰۴	۰/۴۰	۰/۹۰
آزمون اثر هتلینگ	۰/۶۸	۵/۶۶	۲۵	۳	۰/۰۰۴	۰/۴۰	۰/۹۰
آزمون بزرگترین ریشه‌روی	۰/۶۸	۵/۶۶	۲۵	۳	۰/۰۰۴	۰/۴۰	۰/۹۰

مندرجات جدول ۳ مربوط به فرضیهٔ اصلی پژوهش است که نشان می‌دهد تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر تمایزیافتگی در سطح p<۰/۰۵ معنی‌دار است. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۲ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر تمایزیافتگی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۷۵ درصد می‌باشد، تفاوت گروه آزمایش و گروه کنترل، از لحاظ متغیر نگرش زناشویی در سطح p<۰/۰۵، معنی‌دار است. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۱۹ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر نگرش زناشویی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۶۸ درصد می‌باشد و همچنین تفاوت گروه آزمایش و گروه کنترل، از لحاظ متغیر انتظارات زناشویی در سطحp<۰/۰۵ ، معنی‌دار است.به علاوه ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۳ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر انتظار از ازدواج مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۷۸ درصد می‌باشد.

جدول ۳: نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون تمایزیافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی در گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معنی‌داری	اندازهٔ اثر	توان آماری
تمایزیافتگی	۹۱۶/۶۰	۱	۹۱۶/۶۰	۷/۶۱	۰/۰۱۰	۰/۲۲	۰/۷۵
نگرش زناشویی	۲۵۹/۹۲	۱	۲۵۹/۹۲	۶/۴۰	۰/۰۱۸	۰/۱۹	۰/۶۸
انتظارات زناشویی	۱۵۴۸/۲۱	۱	۱۵۴۸/۲۱	۸/۱۹	۰/۰۰۸	۰/۲۳	۰/۷۸

جدول ۴ به بررسی اثربخشی مدل سیمبیس بر روی خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی می‌پردازد، که فرضیهٔ دوم پژوهش را شامل می‌شود و یافته‌ها نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر واکنش‌پذیری عاطفی در سطح P<۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۰ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر واکنش‌پذیری عاطفی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۲۳ درصد می‌باشد.

تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر جایگاه من در سطح p<۰/۰۵ معنی‌دار نیست. امّا تفاوت میان گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر گریز عاطفی در سطح P<۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۳ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر گریز عاطفی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۲۴ درصد می‌باشد. همچنین بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر هم-آمیختگی در سطح P<۰/۰۱ معنی‌دار است. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۳۱ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر هم‌آمیختگی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۸۷ درصد می‌باشد.

جدول ۴: نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران در گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معنی‌داری	اندازهٔ اثر	توان آماری
واکنش‌پذیری عاطفی	۲۳۶/۷۲	۱	۲۳۶/۷۲	۶/۸۱	۰/۰۱۵	۰/۲۰	۰/۲۳
جایگاه من	۱۰/۷۵	۱	۱۰/۷۵	۰/۲۸	۰/۵۹۹	۰/۰۱	۰/۱۱
گریز عاطفی	۲۴۶/۸۸	۱	۲۴۶/۸۸	۸/۰۳	۰/۰۰۹	۰/۲۳	۰/۲۴
هم‌آمیختگی	۲۰۹/۲۴	۱	۲۰۹/۲۴	۱۰/۲۱	۰/۰۰۲	۰/۳۱	۰/۸۷

با توجه به مندرجات جدول ۵، مشاهده می‌شود که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون در فرضیهٔ سوم، از لحاظ متغیر انتظار واقع‌بینانه در سطح p<۰/۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد و از لحاظ متغیر انتظار ایده‌آل‌گرایانه در سطح P<۰/۰۵ نیز معنی‌دار نمی‌باشد و متغیر انتظار بدبینانه در سطح P <۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۵ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پس‌آزمون از نظر متغیر انتظار بدبینانه مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۸۲ درصد می‌باشد.

جدول ۵: نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون انتظار واقع‌بینانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه در گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معنی‌داری	اندازهٔ اثر	توان آماری
انتظار واقع‌بینانه	۱۳۴/۹۰	۱	۱۳۴/۹۰	۲/۷۹	۰/۱۰۶	۰/۰۹	۰/۳۶
انتظار ایده‌آل‌گرایانه	۴۰/۰۷	۱	۴۰/۰۷	۱/۵۷	۰/۲۲۱	۰/۰۵	۰/۲۲
انتظار بدبینانه	۸۷/۸۳	۱	۸۷/۸۳	۹/۱۰	۰/۰۰۶	۰/۲۵	۰/۸۲

جدول ۶: نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمره‌های پی‌گیری تمایزیافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی و خرده‌مقیاس‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معنی‌داری	اندازهٔ اثر	توان آماری
تمایزیافتگی	۵۰۱/۲۰	۱	۵۰۱/۲۰	۴/۱۲	۰/۰۵۳	۰/۰۸	۰/۵۱
نگرش زناشویی	۲۴۹/۸۹	۱	۲۴۹/۸۹	۶/۳۴	۰/۰۲۱	۰/۱۸	۰/۶۷
انتظارات زناشویی	۱۴۹۸/۹۲	۱	۱۴۹۸/۹۲	۷/۹۶	۰/۰۱۲	۰/۲۰	۰/۷۴
واکنش‌پذیری عاطفی	۲۲۵/۴۳	۱	۲۲۵/۴۳	۵/۳۱	۰/۰۲۱	۰/۱۶	۰/۲۲
جایگاه من	۱۰/۲۵	۱	۱۰/۲۵	۰/۲۷	۰/۶۰۲	۰/۰۱	۰/۰۹
گریز عاطفی	۲۱۸/۷۱	۱	۲۱۸/۷۱	۵/۶۸	۰/۰۳۲	۰/۱۷	۰/۲۰
هم‌آمیختگی	۲۰۰/۶۷	۱	۲۰۰/۶۷	۱۰/۰۳	۰/۰۰۶	۰/۲۸	۰/۸۳
انتظار واقع‌بینانه	۱۲۵/۴۵	۱	۱۳۴/۹۰	۲/۵۵	۰/۱۴۴	۰/۰۴	۰/۳۰
انتظار ایده‌آل‌گرایانه	۳۱/۷۸	۱	۴۰/۰۷	۱/۱۲	۰/۳۱۰	۰/۰۲	۰/۱۸
انتظار بدبینانه	۸۳/۲۲	۱	۸۷/۸۳	۸/۷۰	۰/۰۱۰	۰/۲۴	۰/۷۹

نتایج آزمون تحلیل کوواریانس در مرحلهٔ پیگیری سه‌ماهه نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پی‌گیری، از لحاظ متغیر نگرش زناشویی در سطح $p < ۰/۰۵$ معنی‌دار و از لحاظ متغیر تمایزیافتگی در سطح $p < ۰/۰۵$، معنی‌دار نیست. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۱۸ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پی‌گیری ازنظر متغیر نگرش زناشویی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۶۷ درصد می‌باشد و همچنین تفاوت گروه آزمایش و گروه کنترل، از لحاظ متغیر انتظارات زناشویی در سطح $p < ۰/۰۵$، معنی‌دار است و ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۰ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پی‌گیری از نظر متغیر انتظارات زناشویی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۷۴ درصد می‌باشد.

در رابطه با خرده‌مقیاس‌های تمایزیافتگی باید گفت که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پی‌گیری، ازلحاظ متغیر واکنش‌پذیری عاطفی در سطح $p<0/05$ معنی‌دار می‌باشد. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۱۶ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پی‌گیری از نظر متغیر واکنش‌پذیری عاطفی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۲۲ درصد می‌باشد. اما متغیر جایگاه من بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پی‌گیری، در سطح $p<0/05$ معنی‌دار نمی‌باشد و گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر گریز عاطفی در سطح $p<0/05$ معنی‌دار است. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۱۷ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پی‌گیری ازنظر متغیر گریز عاطفی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۲۰ درصد می‌باشد. همچنین بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پی‌گیری، از لحاظ متغیر هم‌آمیختگی در سطح $p<0/01$ معنی‌دار است. به علاوه، ضریب اندازهٔ اثر نشان می‌دهد که ۲۸ درصد تفاوت دو گروه در مرحلهٔ پی‌گیری از نظر متغیر هم‌آمیختگی مربوط به مداخلهٔ آزمایشی است و توان آماری برابر با ۸۳ درصد می‌باشد. این نتیجه بدین معنی است که اثربخشی آموزش سیمبیس، تغییرات مربوط به نگرش زناشویی، انتظارات زناشویی، واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، هم‌آمیختگی با دیگران، و انتظار بدبینانه را تا مرحلهٔ پیگیری سه ماه حفظ کرد؛ اما تغییرات تمایزیافتگی، خرده‌مقیاس جایگاه من و انتظار واقع‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه تا مرحلهٔ پیگیری تداوم نداشت.

نتیجه

خانواده یکی از نظام‌های اولیهٔ جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده است و در همهٔ جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده ازنظر ظاهری کوچکترین واحد اجتماع به‌شمار می‌آید، ولی از جهت اهمیت و ارزش، هستهٔ مرکزی اجتماع است. در حقیقت، انسان موجودی اجتماعی است و وجود دو عنصر زن و مرد و زندگی مشترکِ آن‌ها با یکدیگر، از ابتدا در جوامع بشری دیده شده است. بررسی عوامل تسهیل‌کننده در ارتباط بین زن و شوهر و عواملی که در تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه بوده و با پیچیده‌شدن جوامع و پیچیدگی زندگی، نیاز به پژوهش‌های تازه‌تر احساس می‌شود (Kazemian Moghaddam, 2017). از موارد تسهیل‌کننده‌ای که در ارتباط بین زن و شوهر و تداوم رابطهٔ آن‌ها بسیار موثر است، میزان تمایزیافتگی زوجین و نگرش و انتظارات آن‌ها نسبت به رابطهٔ زناشویی می‌باشد. تمایزنایافتگی زوجین و برخورداری از انتظارات غیرمنطقی در رابطهٔ زناشویی منجر به تعارضات عمیق، جدایی، طلاق و آسیب‌های روانی و اجتماعی دیگر می‌شود. از آنجا که موارد گفته‌شده سازه‌های مهمی در زندگی زناشویی هستند و کارکرد مهمی در حفظ و ثبات ازدواج و کیفیت روابط

زناشویی دارند، لذا شناخت صحیح این موارد و عوامل تاثیرگذار بر آن‌ها ضرورت دارد. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزش پیش از ازدواج به روش SYMBIS بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان صورت گرفت.

نتایج نشان داد آموزش پیش از ازدواج با استفاده از مدل سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی دختران مجرد موثر است. نتایج آزمون کواریانس نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر تمایزیافتگی معنی‌دار است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که در افرادی که تمایز یافته‌اند، میزان اضطراب کمی وجود دارد وکیفیت زناشویی آن‌ها به مراتب بیشتر از زوج‌هایی است که تمایزیافته نیستند، چون می‌توانند رابطۀ صمیمی با طرف مقابل خود برقرار سازند. در نتیجه، یافتۀ به‌دست آمده با هدف آموزش سیمبیس مبنی بر کمک به زوج‌ها برای به‌دست آوردن رابطۀ متقابل از طریق تمایزیافتگی و برقراری ارتباط واقعی و صمیمی همسو است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های قبلی نظیر: (Moharram et al., 2017)، (Sheikh et al., 2013)، (Bhavana, 2013)، (Bartle-Haring et al., 2010)، (Yousefi et al., 2009)، (Peleg, 2008)، (Bairami et al., 2012)، (Rafiee et al., 2016)، (Aryamanesh, 2011)، (Aliqi & Nazari, 2008) همسو می‌باشد.

همچنین نتایج آشکار کرد که آموزش پیش از ازدواج با استفاده از مدل سیمبیس بر نگرش زناشویی دختران مجرد موثر است. نتایج آزمون کواریانس نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر نگرش زناشویی معنی‌دار است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که همان‌طور که می‌دانیم دو رویکرد در شکل‌گیری نگرش به ازدواج نقش به‌سزایی دارند: نظریۀ دلبستگی که به رابطۀ پدر و مادر یا همان مراقبان اولیه در شکل‌گیری الگوهای اولیه اشاره دارد و دومین نظریه، نظریۀ یادگیری اجتماعی است که والدین نظرات خود دربارۀ رابطه با جنس مخالف را از طریق الگوسازی منتقل می‌کنند و از آنجایی که یکی از علت‌های کاهش گرایش جوانان ما به ازدواج مربوط به باورها و نگرش‌های نادرست به این امر است آموزش‌هایی مانند آموزش‌های پیش از ازدواج «سیمبیس» توانسته است بر نگرش مثبت جوانان نسبت به ازدواج تاثیرگذار باشد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های قبلی نظیر: (Kim&Jung, 2015)، (Liu & Li-Chuan, 2009)، (Farrel, 2006)، (Heater, 2005)، (Hossein PurLangroudi et al., 2013)، (Houilipour et al., 2012)، (Azadeh Fallah, 2007)، (Ansari pur, 2009)، (Salts et al., 1994)، (Olson & Gravatt, 1968) همسو بوده است.

آموزش پیش از ازدواج با استفاده از مدل سیمبیس بر انتظارات زناشویی دختران مجرد نیز مؤثر بود. نتایج آزمون کواریانس نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر انتظارات معنی‌دار است. همان‌طور که می‌دانیم این انتظارات تحت تاثیر عواملی مانند تجارب اجتماعی اعم

از رفتارهایی که خود تجربه کرده یا در خانواده مشاهده کرده است، منجر به شکل‌گیری انتظارات بدبینانه، واقع‌گرایانه و ایده‌آل‌گرایانه می‌شود. از آنجایی که در جامعهٔ ما انتظار از ازدواج و ترس از موفق نشدن در این رابطه از موانع ازدواج به‌شمار می‌رود، برگزاری دوره‌های آموزشی پیش از ازدواجی مانند سیمبیس که یکی از اهدافش کاهش انتظارات غیرواقع‌بینانه است، می‌تواند باورها و انتظارات جوانان دربارهٔ ازدواج را تغییر دهد و همان‌طور که نتایج نیز نشان می‌دهد، انتظارات بدبینانهٔ دانشجویان در اثر این آموزش کاهش یافته است. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های قبلی نظیر: (Rios, 2010)، (Rafiee t al., 2016)، (Bahrami, 2012)، (Rezae, 2013)، (Omidvar, 2009)، (Sharp & Ganong, 2004)، (Mc Nutly & Karney, 2004) همسو است.

آموزش پیش از ازدواج با استفاده از مدل سیمبیس بر ابعاد تمایزیافتگی (واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران) نیز تأثیر داشت.

نتایج آزمون کواریانس نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی معنی‌دار می‌باشد، اما از لحاظ متغیر جایگاه من معنی‌دار نیست. در مجموع، می‌توان گفت همان‌طور که می‌دانیم جایگاه من به عقاید و باورهای مشخص در زندگی افراد اشاره دارد و عقاید و باورها نقش تعیین‌کننده‌ای در احساسات و رفتارها دارند. این عقاید و باورها در بین اعضای خانواده مشترک بوده و چنانچه در مواردی منجر به اختلاف شوند در خانواده مورد چالش قرار نمی‌گیرند. علاوه بر باورهای هر خانواده، برخی عقاید و باورها در بسترهای فرهنگی شکل می‌گیرد که رفتار خانواده بر مبنای آن رقم می‌خورد. در نتیجه، موارد ذکرشده می‌تواند در تبیین معنادار نشدن این آموزش بر مولفهٔ جایگاه من اثرگذار باشد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های قبلی: Kenneth et al., 2018)، (Kaleta, 2014)، (Bartle-Haring et al., 2010)، (Kruse, 2007)، (Rasaei, 2009)، (Skowron, 2000)، (Friedlander & Skowron, 1998)، (Lavery, 1985) همسو می‌باشد.

همچنین آموزش پیش از ازدواج با استفاده از مدل سیمبیس بر ابعاد انتظارات زناشویی (انتظار واقع‌بینانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه) موثر بود.

نتایج آزمون کواریانس نشان داد که تفاوت بین گروه‌های آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، از لحاظ متغیر انتظار واقع‌بینانه و انتظار ایده‌آل‌گرایانه معنی‌دار نمی‌باشد، هرچند از لحاظ متغیر انتظار بدبینانه معنی‌دار است. به‌نظر می‌رسد این باورها و انتظارات ایده‌آل‌گرایانه در رابطه با ازدواج آنچنان در ذهن جوانان ما نهادینه شده است که حتی آموزش‌های در قالب آموزش پیش از ازدواج هم نمی‌تواند تغییری در این باورها به‌وجود آورد. در واقع، وقتی فرزندان ما در معرض باورها و انتظارات ایده‌آل‌گرایانهٔ والدین خود از کودکی

قرار می‌گیرند، نگرشی آرمانی و کمال‌طلبانه پیرامون ازدواج و انتخاب همسر، و نیز انتظارات غیرواقعی دربارهٔ عشق و ارتباطات پیدا می‌کنند،و به‌راحتی نمی‌توانند این باورها را تغییر دهند. عوامل روانشناختی ناخودآگاه در افراد نمونه و پویایی‌های فرهنگی نیز می‌تواند از علت‌های تغییر نکردن این انتظارات باشد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های قبلی: (Johnson. D, 2015)، (Rafiee t al., 2016)، (Sheikholeslami, 2015)، (Bahrami, 2012)، (Rezae, 2013)، (Omidvar, 2009)، (Khalatbari et al., 2009)، (Kamkar et al., 2010)، (Ansari pur, 2009)، (Sharp & Ganong, 2004)، (Olson & Gravatt, 1968)، (Mc Nutly & Karney, 2004) همسو بوده است.

آموزش پیش از ازدواج با مدل سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی تا مرحلهٔ پیگیری سه ماه تداوم دارد.

آموزش پیش از ازدواج با مدل سیمبیس بر تمایزیافتگی تا مرحلهٔ پیگیری سه ماهه تداوم دارد. نتایج نشان داد که پس‌آزمون تمایزیافتگی در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحلهٔ پیگیری تفاوت معنی‌داری ندارد. به عبارت بهتر، آموزش پیش از ازدواج با مدل SYMBIS بر بهبود تمایزیافتگی دختران مجرد دانشگاه هرمزگان تا مرحلهٔ پیگیری تأثیر نداشته است. درنهایت، این سؤال از مرحلهٔ پیگیریِ تحقیق تأیید نشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که از آنجا که پیگیری این پژوهش بعد از سه ماه صورت گرفته است و دانشجویانی که دوره‌های آموزشی را گذرانده بودند به محیط خانه برگشتند و حدود سه ماه تحت تاثیر عواملی مانند: شرایط عاطفی حاکم بر خانواده، امتزاج با بافت عاطفی خانواده، نزدیکی عاطفی با اعضا و حل شدن در بی‌مرزی‌های خانواده قرار گرفتند و بلافاصله بعد از بازگشت‌شان از شرایط و موقعیت خانوادگی به دانشگاه مورد سنجش قرار گرفتند، این عوامل می‌تواند دلیلی بر تأیید نشدن سؤال مطرح‌شده باشد. چه بسا به‌طور مثال اگر این پیگیری بین بازهٔ زمانی(آبان–بهمن) صورت می‌گرفت و دانشجویان در موقعیت و شرایط محیطی یکسانی بعد از دورهٔ آموزشی قرار می‌داشتند، نتایج متفاوتی حاصل می‌شد. ضمن اینکه در کارهای پژوهشی، به هر حال، گذشت زمان و فاصله گرفتن از آموزش خود می‌تواند تا حدی تأثیر آموزش را کم‌رنگ‌تر کند. همان‌طور که در نتایج مشاهده می‌شود، در خصوص انتظارات و نگرش‌ها در مرحلهٔ پیگیری تغییری حاصل نشد.

در کشور ما آموزش‌های پیش از ازدواجی که انجام شده بیشتر حول موضوعاتی نظیر ملاک‌های انتخاب همسر، دوران آشنایی و علائم هشداردهنده‌ای که در این دوران باید رعایت نمود، بوده است. در این مدل آموزش سعی شده بر حیطهٔ آموزش مهارت‌ها و مؤلفه‌های مهم دیگری مانند تمایزیافتگی، انتظارات و نگرش‌های زناشویی توجه بیشتری بشود. به‌طور مثال، در این پژوهش اعضا با آموزش مهارت حل مساله یاد گرفتند که انتظار زندگیِ بدون مشکل، انتظار ایده‌آل‌گرایانه‌ای است و می‌توان در صورت بروز مشکل

، مسائل را با مهارت حل مساله و مهارت‌های ارتباطی و صمیمیت حل نمود. در این تحقیق با آموزش این موضوعات سعی شده است که به افرادی که در آستانهٔ ازدواج هستند کمک شود تا زندگی مشترک موفقی را آغاز کنند. به افراد آموزش داده شد که بتوانند فرایندهای عقلی را از فرایندهای احساسی جدا کنند و به یک استقلال، فردیت و هویت مجزا برسند و یاد بگیرند که در روابط زناشویی، زوجین نباید در شخصیت یکدیگر حل شوند، بلکه باید سعی کنند میزانی از فردیت را حفظ کنند. در واقع، افرادی که به حدی از استقلال در قبل از ازدواج می‌رسند، انتظارات بدبینانهٔ کمتری به ازدواج دارند و سعی می‌کنند، رفتاری منطقی داشته باشند و انتظار نداشته باشند که همسرشان همیشه در حل مشکلات آنان را کمک کند، بلکه باید به حدی از استقلال رسیده و در برآورده کردن مقداری از نیازها متکی به خود باشند. همچنین تمایزیافتگی بر رغبت و نگرش به ازدواج نیز تاثیر می‌گذارد و مطالعات نشان داده‌اند که خود تمایزیافتگی با دیدگاه خوش‌بینانه و رفاه روانی زوج نیز در ارتباط است و این افراد سازگاری زناشویی بیشتری را تجربه خواهند کرد و براساس فرایند انتقال چندنسلی بوئن، والدینی که باور، احساس و نگرش منفی به ازدواج دارند، این باور را به نسل بعد هم منتقل می‌کنند و در اینجاست که اهمیت خانوادهٔ مبدأ و گنجاندن این موضوع در آموزش پیش از ازدواج آشکار می‌شود.

بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده، به مشاوران و زوج‌درمانگران پیشنهاد می‌شود که از طریق برگزاری آموزش پیش از ازدواج و همچنین جلسات مشاوره‌ای بعد از ازدواج، از طریق افزایش سطح تمایزیافتگیِ افرادی که در آستانهٔ ازدواج هستند و یا زوجین، به ارتقای کیفیت زندگی زناشویی آن‌ها کمک کنند و مانع از فروپاشی نهاد خانواده شوند. به‌طوری که با کمک پرسش‌نامهٔ تمایزیافتگی و عواطف خودآگاه، می‌توان سطوح پایین این متغیرها را شناسایی کرد و در آن زمینه، پیشنهادهایی متناسب ارائه داد یا جلسات مشاوره‌ای برگزار کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود از سایر روش‌های تحقیق مانند تحلیل محتوا و روش‌های مصاحبهٔ گروهی استفاده گردد، تا از این طریق در جاهایی که روش پیمایشی با اتکاء به پرسشنامه قادر به سنجش دقیق متغیرهای مورد نظر نیست، بتوان به داده‌های معتبر دست یافت.

References

Aliki, M., & Nazari, A. M. (2008). The relationship between differentiation and marital satisfaction. *Conseling Research*, 26(7) , 7-24. (In Persian).

Ansaripur, G. (2009). The effect of premarital education on students' marital expectations and attitudes toward the marriage of Payame Noor University of Semirom. MA. Dissertation, Marvdasht University. (In Persian).

Aryamanesh, S. (2011). A study of differentiation between satisfied couples in compare with conflicting couples in Bandar Abbas. MA. Dissertation, Hormozgan University. (In Persian).

Bahrami Ehsan, H. (2012). The role of "marital expectations" and "healthy exchanges" in predicting marital satisfaction of couples. *Journal Islamic Studies and Psychology* ,10(6), 27- 42. (In Persian).

Bayrami, M., Fahimi, S., Akbari, E., & Amiri Pichakolaei , A. (2012) . Predicting marital satisfaction on the basis of Attachment Styles and Differentiation Components. *Journal Fundamentals of Mental Health*, 14(1), 77-64. (In Persian).

Bartle-Haring, S., & Lal, A. (2010). Using Bowen theory to examine progress in couple therapy. *The Family Journal*, *18*(2), 106-115.

Berger, R., & Hannah, M. T. (1999). *Preventive approaches in couples therapy*. Routledge

Bhavana, N., & Roopa, K. S. (2013) .Youth attitude towards marriage and changing trends in marriage, *International Journal of Science and Research* ,4(7) , 677-682.

Braaten, E. B., & Rosen, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, *29*(3- 4), 83-91.

Gaolatlhe, B. L., Bakadzimoeti., Kgosidialwa, K. (2018) . Perceptions about Pre-marital Counseling and Marriage Stability in Botswana: A Case of Towing Village. *Journal Of Humanities and Social Science*, 23(3), 34-4.

Fallah, A. (2007). Investigating the role and intervention of reforming beliefs in the tendency of young people to marry. *2nd National Congress of Family Pathology in Iran, Tehran*.

Farrell, M. P. (2006). Sibling effects on divorce: common family background, common genetic heritage, or continuing interaction among adult siblings, *Multi-Level Issues in Social Systems (Research in Multi-Level Issues, Volume 5). Emerald Group Publishing Limited*, 239-242.

Harris, K. M., & Lee, H. (2007) . The development of marriage expectations, attitudes desire from adolescence into young adulthood. MA. Dissertation, University of North Carolina.

Heater, K. K. (2005). Investigation of Variable Influencing Colledge Students Marital Attitudes and Fear of Intimacy [PhD Thesis]. *Muncie, IN: Ball State University*.

Hossein Purlangroudi, F., Nouri Qasem Abadi, R., & Vakili, P. (2013). The relationship between attachment styles and attitude toward marriage in single undergraduate students of Tehran University. *Journal of Educational Management Research*, 3(4), 113-125. (In Persian).

Haris, F. & Kumar, A. (2018). Marital Satisfaction and Communication Skills among Married Couples. *Indian journal of social research* , 59(1) , 35- 44.

Hoveilipour, S., Shafi Abadi, A., & Soudani, M. (2012) . The effect of Premarital training on Marital Expectation and Attitudes on children of oil company in southern . *New Findings in Psychology*, 23(7) , 81-93. (In Persian).

Inglehart, R. (2003). *Cultural transformation in advanced industrial society*. Tehran: Desert publisher. (In Persian).

Johnson, K. D. (2015). Marital expectation fulfillment and its relationship to height of marital expectations, optimism, and relationship self-efficacy among married individuals.

Jones, G. D., & Nelson, E. S. (1996). Expectations of marriage among college students from intact and non-intact homes. *Journal of Divorce & Remarriage*,26(1-2), 171-189.

Jonsson, F., Njarovik, U., Olafsdottir, G., & Gretarsson, S. (2000). Parental Divorce:Long-term Effects on Mental Health, Family Relations and Adult Sexual Behavior, *Scandinavian journal of psychology*, 41(2), 101-105.

Kaleta,K . (2014) . Maritral Satisfaction , Differentiation of Self and Stress perceived by women . *Polskie Forum Psychologiczne*, 19 (3) , 305-319.

Kaamkaar, M., Salehi, M., Kajbaf, M. B., Salasel, M. (2010). The effect of premarital training on the non- functional marital expectation of university students who were on the verge of marriage. *Journal of Counseling Culture,* 1(4), 57-72. (In Persian).

Karimi, Y. (2007). *Social psychology (Theories, Concepts and Applications).* Tehran: Arasbaran publisher. (In Persian).

Khaddouma, A., Gordon, K. C., & Bolden, J. (2015). Zen and the art of dating:Mindfulness, differentiation of self, and satisfaction in dating relationships.*Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 4(1), 1-13.

Khalatbari, J., GhorbanShiroudi, Sh ., & Mahdioun, Z. (2009). Influence of instruction preparation program for marriage on couple's communication belifes. *Journal of Educational Psychology*,1(1), 32-45. (In Persian).

Khamseh, A. (2005). *Premarital education*. Tehran: Al-zahra university publisher. (In Persian).

Kim, H. S., & Jung, Y. M. (2015). Self-Differentiation, Family Functioning, Life Satisfaction and Attitudes towards Marriage among South Korean University Students. *Indian Journal of Science and Technology*, 8(19),1-9.

Klever, P. (2009). Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of marital and family therapy*, 35(3), 308-324.

Kruse, N. (2007). The relationship between self differentiation and the levels of trust,shame, and guilt in intimate relationships, *Alliant International University*,Los Angeles

KazemianMoghaddam,.K.,Mehrabizadeh.,Honarmand.,M.,Kiamanesh.,AHosseiniyan.,S(2017)The role of differentiation, meaningfulness in life and forgiveness in predicting martial satisfaction. *Family Psychology,* 3(2), 71-82.

Khosrojavid., M.,Aslipoor,. A,.Firoozshad., M.Hedaiatsafa., R. (2015). Effect of Pre-Marriage Skills Training on Communicationand Problem Solving Skills in Martyr's and Veteran's Daughters. *Journal of War &.Health*, 7(4), 189- 196 .

Messina, K. C., Kolbert, J. B., Bundick, M. J., Crothers, L. M., & Strano, D. A. (2018). The impact of counseling on Bowen's differentiation of self. *The Family Journal*, *26*(2), 150-155.

Lavery,P.J .(1985) . *Differentiation of self and Marital satisfaction: An Exploratory analysis based on the Bowen Theory* (Family therapy).

Liu, C. H., Wu, L. C., & Lin, S. H. (2009). Relationships among perception of parental marital relationships, attachment to parents, and attitudes toward marriage in single adults. *Bulletin of Educational Psychology*, *40*(4), 641-662.

Mahmoudian, H. (2004). Age of Marriage Increasing: A Survey of Supporting Factors.

Journal of Social Sciences Letter, 4(11), 27-54. (In Persian).

Mal, S. (2013). Knowledge and attitude towards marriage of currently married women in Paschim Medinipur district of West Bengal, India. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 3(8), 46.-57.

Moharrami, I. S., Pashib, M., Zandi, A., Abbaspour, S., & Torbati, A. G. (2017). Effect of premarital counseling on shyness and expectations from marriage among medical science students. *Bioscience Biotechnology Research Communications*, *10*(3), 365-371.

Mc Nutly , J. K. ,& Karney, B.R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage:Should couples expect the best or brace for the worst, *Journal of Personality and Social Psycholigy*, 86(5), 729-743.

Nilforushan, P., Navidian, A ., & Abedi A .(2014). Psychometric properties of attitude to marriage scale**.** *Journal of Psychiatric Nursing*,1(1), 35- 47.(In Persian).

Nilforushan, P., Navidian, A., Abedi, A., & Ahmadi, S.A. (2011). Investigating factor structure, reliability and validity of the expectation scale of marriage. *Journal of Behavioral Sciences*, 5(1), 19-11.(In Persian).

O'Hara, D. J., & Meteyard, J. (2011) . The differentiation of self and the capacity to tolerate interpersonal difference and societal expectations: an exploratory study. *Asia Pacific Journal of Counselling and Psychotherapy*, 2(2), 126-137.

Olson, D. H., & Gravatt, A. E. (1968). Attitude change in a functional marriage course,*Family Coordinator*, 17(2), 99-104.

Omidvar, B ., Fatehizadeh, M., & Ahmadi, S. (2009). The effect of premarital education on marital expectations of University students in Shiraz. *Journal of Family Research*, 18(5), 231-246.(In Persian).

Omidvar, B. (2009). The effect of premarital education on marital expectations and attitudes of University students in Shiraz. MA. Dissertation, Isfahan University. (In Persian).

Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life. *The American Journal of Family Therapy*, 36(5), 388-401.

Parhizgar, O., Esmaelzadeh-Saeieh, S., Kamrani, M. A., Rahimzadeh, M., & Tehranizadeh, M. (2017). Effect of premarital counseling on marital satisfaction. *Shiraz E-Medical Journal*, *18*(5),1-6.

Rafiee, A., Etemadi, O., Bahrami, F., & Jazayeri, R. (2016). The effect of preparation education for marriage on marital expectations of the under contract girls in Isfahan city. *Journal of Women & Society*, 6(21), 21- 40. (In Persian).

Resaeiy, E. **(**2009) . *Investigating the components of mental happiness and the level of differentiation in predicting marital satisfaction among employees of state administrations of Kerman*. MA. Dissertation, Ahvaz University. (In Persian).

Reid, J. M. (2003). You want me what. *Family and Consumer Science [On-Line]*.

Rezaei, Z. (2013) . Investigating the relationship between psychological integrity and distinction with happiness and quality of life in Mashhad teacher's women. MA. Dissertation, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian).

Rios, C. M. (2010). The relationship between premarital advice, expectations and marital satisfaction. *Graduate Theses and Dissertations*,536.

Salehi, M. (2009) .The effect of premarital education on marital expectations and attitudes on dormitory students of Khorasgan. MA. Dissertation, Islamic Azad University

Isfahan (Khorasgan) Branch. (In Persian).

Salts. C.J.,Seismore, M.D., Lindholm, B. W.,& Smith ,T.A. (1994). Attitudes toward marriage and premarital sexual activity of college freshmen. *Adolescence* , 29(116),775.

Sanaei , B.(2008) . *Family and humor measurement scales*. Tehran: Publication office of behesat.(In Persian).

Sharp, E. A., & Ganong, L. H. (2004). Raising awareness about marital expectations: Are unrealistic beliefs changed by integrative teaching.*Family Relations*, 49(1),71-76.

Sheikholeslami, Z. (2015).The relationship between irrational beliefs and personality Types with the expectation of marriage in students. MA. Dissertation, Kermanshah University. (In Persian).

Sheikh، F. Khodabakhshi Koolaee , ،A. Rahmati Zadeh، M. (2013). The Comparison of Self differentiation and Self-concept in Divorced and Non-divorced Women Who Experience Domestic Violence, *International Journal of High Risk Behaviors and Addictions*, 2(2), 66-71.

Shahhosseini , Z. Hamzehgardeshi, Z. Kardan Souraki, M .(2014). The effects of premarital relationship enrichment programs on marriage strength: A narrative review article,*Journal of Nursing and Midwifery Sciences*, 1(3), 62-72.

Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, *45*(3), 235-46.

Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling Psychology*, 47(2), -229-237

Askian, P.(2005). The effect of psychodrama on increasing the differentiation of fathers family among female high school students in Tehran. MA. Dissertation, ,Tehran Teacher Training University.(In Persian).

Trent, K., & South, S. J. (1992). Spousal alternatives and marital relations. *Journal of Family Issues*, *24*(6), 787-810.

Vaterlaus, J. M., Skogrand, L., Chaney, C., & Gahagan, K. (2016). Marital expectations in strong African American marriages. *Family process*, *56*(4), 883-899.

Yousefi, N., Etemadi, O., Bahrami, F., Al-Sadat Fatehezade, M., Ahmadi, S. A., Beshlideh, K. (2009). Structural relationships between self-differentiation and subjective wellbeing, mental health and marital quality" fitting Bowen's theory. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 3(2), 4-14.